

یکشنبه • ۲۶ بهمن ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۳۲ • ۹

 	روزنامه شرق
جهان	
تفکر به تنهایی قادر به خلق عمل سیاسی اصیل نیست	صفحه ۱۰
نگاهی به کتاب «استفاده وسوء استفاده از تاریخ»	صفحه ۱۱
دلیلی برای دوست داشتن «کی روش»	صفحه ۱۲

نگاه
«توماس لایوس»: امیدوارم رادیکال باشد!

«توماس لایوس» همچنان پرشور است؛ همانند ساز بزرگی که با تبحر می‌نوازد و موسیقی بلوز کافه‌ای کوچک که «خیابان ریجنت» را در جوانی‌مان مفتون و سحر می‌کرد. دانش‌آموخته اقتصاد در دانشگاه‌های «آتن» و «اکستر» انگلستان است و تحقیق پایان‌نامه خود را بر پایه «اقتصاد سیاسی و بدهی دولت براساس بحران یونان» ارایه داده است. جدای از رفافت چندساله و بحث‌های بی‌پایان و معمولاً بی‌توافق ما، به سراغش رفتم تا قبل از اینکه مجبور شوم احتمالاً ردش را در جایی دورافتاده در هند پیدا کنم، گپی کوچک با او زده باشم:

من شخصاً به اینها (سیریزا) رای نداده‌ام و اطمینانی هم ندارم که حقیقتاً بتوانند کاری از پیش ببرند. اما اگر یک آدم معمولی جامعه بیروسی خواهد، گفت: «فکر نمی‌کنم چیزی تغییر کند. تنها به آنها رای داده‌ام چون از بقیه خسته شده بودم. آنها قول خیلی چیزها را داده‌اند، بگذار ببینم در عمل چه می‌کنند و اگر به قول‌هایشان عمل نکردند خُب من رای‌ام را عوض خواهم کرد.» برای حداقل ۳۱سال دولت بین سوسیال‌دموکرات‌ها (حزب پاسوک یا همان حزب سوسیالیست یونان) و محافظه‌کاران (حزب دموکراسی نو) دست‌به‌دست شده است و هردویشان کشور را با سر به سوی صخره هدایت کرده‌اند. نتیجه این دولت‌ها در آخر این بوده که طی ۲۵سال (یعنی بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵) ما خود را زیر دین وام‌ها و بدهی‌های غیرومجهی برده‌ایم.

«سیریزا» (که ائتلاف چپ رادیکال معنی می‌دهد) خود شامل ۱۲شاخه یا جناح است که پس از اولین درخشش سیاسی ۱۷ژوئن۲۰۱۲ در کنگره جولای۲۰۱۳ خود را زیر چتر حزبی واحد قرار داد. اما حقیقت امر این است که تا پیش از این، آنها ائتلافی ناهمگون از عقاید گوناگون بودند که نظری واحد در مسایل مختلف نداشتند و امروز هم فارغ از تمامی شادی‌هایی که پس از اعلام نتایج انتخابات به وجود آمده است، فکر نمی‌کنم این درصد واقعا به‌خاطر خود آنها باشد، مثلاً اگر نیم‌نگاهی به گذشته داشته باشیم، به یاد خواهیم آورد که چگونه «ائتلاف نیروهای چپ و پیشرو» یا «سینایسیسموس» که سلف همین سیریزا بود) به‌تغ پیمان ماستریخت در ۱۹۹۲ رای داد و از آن حمایت کرد. این هم که تصور کنیم آنها (سیریزا) بخشی از حزب بازی‌های پیشین یونان نبوده‌اند، چندان ساده نخواهد بود چرا که بیشتر آنها تا پیش از این از «پاسوک» (حزب سوسیالیست) حمایت می‌کردند. برای مثال بسیاری از اعضای ائتلاف رادیکال چپ تا سال۲۰۰۹ به سوسیالیست‌ها (همان پاسوک که آن موقع در قدرت بود) پیوستند؛ به‌عنوان نمونه «یانیس واتفواکیس»، «ماریا داماناسکی» (ممیس آندرولاکیس) و خیلی‌های دیگر. در کنار اینها و براساس تحقیقی فردی می‌توان اضافه کرد طرفداران سنتی «سیریزا» (که حدود سه چهارم درصد رای‌دهندگان یونانی را دربرمی‌گیرند و البته این آمار شامل نتایج انتخاباتی سال۲۰۱۲ نمی‌شود). خود چپگرایانی هستند که از حقوق و مزایای بالا و رفاه اجتماعی نسبی بهره‌مند هستند. یونانی‌ها اصطلاحی دارند که: «پاسوک» و «سیریزا» دوقلوهایی به هم چسبیده‌اند. و اما دربراره اقتصاد، اروپا باید صبر کرد و دید که این محدودیت‌ها تا کجا می‌خواهد پیش برود. دربارهٔ رضایتی که از اولین یادداشت تفاهم به‌این‌سو اعمال شده، رقم صنایع میانه را گرفته (البته شرکت‌های بزرگ که همه وضعیشنان را می‌دانند) و صاحبان خانه (یا وام‌هایشان) را هدف قرار داده است.

اگر با اعداد و ارقام بگویم: آمار رسمی بیکاری در سال۲۰۱۳ حدود ۲۷درصد بوده است. رشد ناخالص ملی (بر پایه شاخص‌های ۲۰۰۷) ۲۳/۴۵درصد کاهش داشته است.

مالیات‌ها (مستقیم و نامستقیم) به ۵۰درصد رسیده است. آمار خودکشی بین ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، دوبرابر شده است (۱۹۴۶نفر). بر پایه آمار اتحادیه اروپا ۲۳/۱درصد از یونانی‌ها زیر خط فقر هستند. بگذار اینطور بگویم که ما یونانی‌ها موش آزمایشگاهی اتحادیه اروپا هستیم و اگر دولت جدید فرمولی جدید برای ارایه نداشته باشد، آینده همچنان ناروشن خواهد بود. باید دید اتحادیه اروپا چه رویه‌ای در مقابل یونان پیش خواهد گرفت، اگر در همچنان روی همین پاشنه بجرخند، امیدِ برای یونان نیست تا بتواند خود را از این محصرمه رها کند. در این صورت طبقه متوسط به‌طورکامل از بین خواهد رفت و تنها دوطبقه باقی می‌ماند: فقیران با اکثریتی ۹۰ تا ۹۵درصدی و آنچه که می‌توانیم ثروتمندان بنامیم.

اما اینکه سیریزا با راست‌ها ائتلاف کرده است، فکر نمی‌کنم چندان نگران‌کننده باشد. از نظر ما، «یونانی‌های مستقل» جناح چپ جریان محافظه‌کار هستند و مطمئن نیستم سیریزا‌ا‌طور که نشان می‌دهد، حقیقتاً رادیکال باشد؛ چون این بار اولی نیست که چنین اتفاقی در یونان می‌افتد. حزب پاسوک (سوسیالیست) در ابتدای قدرت نمایش در دهه ۸۰ همین رویه را پیش گرفته بود، اما سیاست یونانی آنها را هم رام خود کرد. «سیریزا» از این شانس بهره‌مند است که گفتمان سیاسی اروپا را تغییر دهد اما نه آنقدر رادیکال که تصور می‌شود. تاریخ، ملو از چرخه‌های تکرار است و امروز یونان برای دومین‌بار است که در چنین موقعیتی قرار گرفته است: (خیزش پاسوک و چپ‌میانه در دهه ۸۰) آن هم در شرایطی که در دوره گذشته آنها (چپ‌میانه) از عهده آنچه وعده داده بود، برنیامد.

من رادیکال‌تر از این هستم که فکر کنم چنین اتفاقی واقعا تغییری در شرایط پدید آورد. اما شخصاً امیدوارم اتفاقی رادیکال در یونان بیفتد چون نیاز یونان حرکتی بیرون از قواعد و چارچوب‌های کنونی است اما اینکه چنین اتفاقی بیفتد را نمی‌دانم، تنها امیدوارم چنین شود.

یادداشت
تراژدی سیزیف یونانی بر چهره اروپا
درباره یونان نباید حرف بزیم چون نمی‌توانیم چشم از یونان برداریم؛ بخت یونان تنها درد ریاضت اقتصادی نیست. از اشغال ترک‌ها و استقلال خونیش تا چرتبازهای آلمان نازی و تانک‌های ژنرال‌های هلنیک همه زخم‌های پیکر بنیانگذار تمدن غرب است. اکتبر سال۱۹۷۴ که خونای یونانی راهشان را کج کردند و به یادگان‌ها بازگشتند، «مایکل کاکوپانیس» کرتی دوربین را به استادیوم مملو از جمعیتی برد که «ماریا فاراتوری» آواز رهایی «میکیس ثئودوراکیس» را می‌خواند؛ سرودی که روایت تاریخی دردمند بر ملتی باستانی بود همان‌طور که ریتسوس گفته بود:
«بر یونانیان اشک مریز هنگامی که اندیشاک‌شان می‌یابی بر یونایتب اشک مریز هنگامی که به زانو درمی‌آید کارد در استخوان و بند بر گردن،»

تراژدی سیزیف یونانی بر چهره اروپا

درباره یونان نباید حرف بزیم چون نمی‌توانیم چشم از یونان برداریم؛ بخت یونان تنها درد ریاضت اقتصادی نیست. از اشغال ترک‌ها و استقلال خونی‌ش تا چرتبازهای آلمان نازی و تانک‌های ژنرال‌های هلنیک همه زخم‌های پیکر بنیانگذار تمدن غرب است. اکتبر سال۱۹۷۴ که خونای یونانی راهشان را کج کردند و به یادگان‌ها بازگشتند، «مایکل کاکوپانیس» کرتی دوربین را به استادیوم مملو از جمعیتی برد که «ماریا فاراتوری» آواز رهایی «میکیس ثئودوراکیس» را می‌خواند؛ سرودی که روایت تاریخی دردمند بر ملتی باستانی بود همان‌طور که ریتسوس گفته بود:

«بر یونانیان اشک مریز هنگامی که اندیشاک‌شان می‌یابی بر یونایتب اشک مریز هنگامی که به زانو درمی‌آید
کارد در استخوان و بند بر گردن،»

یونانی‌ها با کمترین شکی از سیاسی‌ترین مردمان اروپا هستند؛ آن‌هم وقتی که انگلیسی‌ها آفتاب شنبه را بر دبید کامرون و تیک کلیک ترجیح می‌دهند، آلمانی‌ها کم‌ویش با آنجی خودشان کنار آمده‌اند و هلندی‌ها می‌دانند پادشاهی دارند و کشورشان کنار آمده‌اند و ورشکستگی اقتصاد اروپایی شده است. یونانی‌ها برای سال‌ها پول نداشته را خرج کرده بودند تا به انتهای خطی برسند که پیش از آنها آزارانتی‌ها یک‌بار امتحانش کرده بودند. تازه آن‌گاه بود که خیابان‌ها شعله‌ور شد و طناب ریاضت اقتصادی دورگردن یونان را گرفت.

از «نیکوس گاتسوس» و «مانوس حاجیداکیس» و صدها نام دیگر سخن می‌گویم و موسیقی گروه «آلوتیزر» (نمی‌دانم که امروز خود را چه می‌نامند) از جزیره کرت به‌سختی صدا را به صدا می‌رساند و در پایان وقتی چشم می‌گردانم، می‌بینم چندسال شده است که ما آنقدر حرف زده‌ایم که فراموش کرده‌ایم در آتن هستی‌ما کجاست.

«الکسیس سیرپاس» و حزب «سیریزا» شکوهمندانه بر خرابه‌ای که از اقتصاد یونان مانده بود نوید فردایی دیگر را به‌نقظ به یونان که به تمام اروپا فرستادند. یونانی‌ها امروز مغرور چشم به آینده‌ای دارند که رسمی، از نرخ تورم به میزان ۱/۸۰درصد کاسته شده است. این موضوع نشان می‌دهد ۰/۷درصد رشد در میزان تولید خالص ملی واقعی در مقابل نرخ منفی رشد تولید ناخالص ملی اسمی بوده است. به عبارتی دیگر، تمام آنچه روی داده کاهش سریع‌تر قیمت‌ها در مقابل درآمد ملی اسمی بوده است. اجازه دهید به شما بگویم تلاش‌های تأثیربرانگیز کنونی برای ارایه نسخه جدیدی از «آمار درباره ریسان» و اعلام این موضوع که بحران یونان به پایان رسیده‌توهمینی به تمام شهروندان اروپایی است که سزاوار دانستن واقعیت‌ها درباره یونان و درباره اروپا هستند.

اجازه دهید واضح سخن بگویم: بدهی‌های یونان در شرایط کنونی به امری غیرقابل‌تحمل تبدیل شده است و ما هرگز قادر به ارایه خدمات نخواهیم بود. در چنین وضعیتی با وجود اصرار دولت‌های اروپایی بر سیاست‌های به آخر خطررسیده‌شان و همچنین نادیده‌گرفتن حساب ساده ریاضیاتی، هزینه‌های مالیات‌دهندگان آلمانی افزایش خواهد یافت. حتی در بدترین سناریو ممکن پیش از آنکه آلمانی‌ها علیه یونانی‌ها موضع‌گیری کنند این‌یونانی‌ها خواهند بود که علیه آلمان متحد و به‌طور غیرقابل‌تعجبی ایده‌های مطلوب اروپایی با مصیبت بزرگی مواجه خواهند شد.



عکاس: تام

بود که احزاب جدید با احزاب قدیمی ادغام شده و در عمل جاده‌صاف‌کن افراد دیگری با منافعهی بعضاً متضاد به قدرت می‌شوند. کسی در این بین گفت «تحقیر؟» آن هم تحقیری غیرقابل‌درک از سوی رسانه‌های جمعی که وجهی کلیشه‌ای به خود گرفته و دیکته می‌کند سیستم سیاسی و اقتصادی یونان چگونه برای تمامی این سال‌ها بی‌اثر و غیرقابل اطمینان بوده است. معتقدم این همان مهر یابانی است که سیرپاس بر تحقیری پنج‌ساله می‌خواهد بزند که نادیده‌گرفتن و حس حقارت برای پنج‌سال، پیش چشم یونانی‌ها تنها بخشی از آن است. در عوض آن تحقیر، آنچه امروز ما شاهدش هستیم دستاوردی بزرگ است که بسیار سریع پیش چشم ما یونانی‌ها قرار گرفته. دولت جدید حس وقار و شایستگی را در شهروندان یونان بازسازی کرده و فضای امروز یونان بسیار سبک‌تر و امیدوارانه‌تر شده است. در هر حال، ما باید به تعادلی در بین اروپایی‌ها برسیم که هم سیاستمداران و هم شهروندان اروپا باید این شایستگی را به‌رسمیت بشناسند و بازخوردی مثبت نسبت به آن نشان دهند و از دولت و مردم یونان حمایت کنند. از سوی دیگر، حسن انقلابی ناشی از موفقیت یونانی‌ها را اگر اروپایی‌ها نتوانند به‌مثابه اصلاحی در شرایط کنونی بپذیرند، این امر به اعتماد متقابل لطمه خواهد زد و همراه با خود برخوردهایی در هر دو‌بعد سیاسی و فرهنگی را پدید خواهد آورد که تنها این چرخه‌شیرانه حقارت (نسبت به یونان و باقی کشورهای بدهکار) را روغنکاری می‌کند. این به این معنی است که دولت «سیریزا» باید دست به اصلاحاتی موثر بزند و منابع انسانی یونان را کاملاً در نظر بگیرد. دولت جدید باید در خارج، همکار را متقاعد کند آنها برای ارتقای تمام اروپا تلاش می‌کنند و همچنین در داخل، جامعه را متقاعد کند که آنها حقیقتاً با تمامی دولت‌های پیشین متفاوت هستند. اما باید پذیرفت که انجام همه اینها بسیار دشوار است. شاید اوضاع بهتر شود شاید هم بدتر، اگر بخواهم مقایسه‌ای بگویم، وضعیت امروز ما شبیه به زمان جنگ استقلال یونان است. بسیار دشوار، اما ممکن است راه به آزادی ببرد و ما نیاز به شانس و اقبالی داریم که شجاعانمان را باری دهد. اینکه «سیریزا» دست به ائتلاف با حزب راستگرای «یونانی‌های مستقل» زده است، مرا نگران نمی‌کند. همکاری میان صداهای متفاوت جامعه تنها در زمینه مثبتش است که قابل تفسیر خواهد بود. از طرف دیگر اینکه اینگونه ائتلاف هم بخشی از عملکردی سیاسی است، تنها «حزب یونانی‌های مستقل» (آتل) هستند که تا انتهای خط در کنار «سیریزا» در مذاکرات پیرامون بدهی‌های مالی ایستاده‌اند و تنها آنها هستند که به عنوان کوچک‌ترین اپوزیسیون داخلی ایفای نقش می‌کنند. همه اینها به کتا، بسیار غیرواقعی و پرهزینه برای اقتصاد یونان و حزب «سیریزا» می‌بود. اگر آنها درخواست تجدید انتخابات را می‌کردند، «یونانی‌های مستقل» یک‌حزب راست افراطی آنگونه که «بی‌بی‌سی» تصویر کرده و دیگر رسانه‌ها هم با آغوش باز پذیرفته‌اند، نیست. آنها بسیار محافظه‌کار هستند ولی راست افراطی به هیچ‌عنوان نیستند همان‌طوری که «سیریزا» آنگونه که تصور می‌شود یک حزب رادیکال چپگرا نیست. هردو اینها احزابی مردم‌گرا هستند (مردم‌نشان) که جریان‌های اقتصادی و الیت سیاسی یونان را (طبقه حاکمه) دربر نمی‌گیرند و نمایندگی نمی‌کنند.

در آخر باید بگویم آنچه یونان احتیاج دارد: برابری برای زنان، مهاجران، مسلمانان، بی‌پودی‌ها، اقلیت‌های قومی و مذهبی است. در کنار این، مسایلی همچون رفع باج‌خواهی اجتماعی، جوانان، کولی‌های روم، حقوق شهروندان در برابر پلیس، آموزشی که باید برای همه باشد، اصلاحات اقتصادی، احترام همگان به قانون، محو بوروکراسی، تسحیل زندگی روزمره شهروندان یونانی و اخلاقی والا در جامعه همه آنچه است که یونان چشم به تغییرشان دارد.

عکاس: تام

نشانه‌ای از پایان رکود اقتصادی نیست (آنگونه که اعلام شده است)، بلکه فراتر از آن شاهدی بر تداوم رکود است. در این باره فکر کنید: در گزارش‌ی از منابع رسمی، از نرخ تورم به میزان ۱/۸۰درصد کاسته شده است. این موضوع نشان می‌دهد ۰/۷درصد رشد در میزان تولید خالص ملی واقعی در مقابل نرخ منفی رشد تولید ناخالص ملی اسمی بوده است. به عبارتی دیگر، تمام آنچه روی داده کاهش سریع‌تر قیمت‌ها در مقابل درآمد ملی اسمی بوده است. اجازه دهید به شما بگویم تلاش‌های تأثیربرانگیز کنونی برای ارایه نسخه جدیدی از «آمار درباره ریسان» و اعلام این موضوع که بحران یونان به پایان رسیده‌توهمینی به تمام شهروندان اروپایی است که سزاوار دانستن واقعیت‌ها درباره یونان و درباره اروپا هستند.

اجازه دهید واضح سخن بگویم: بدهی‌های یونان در شرایط کنونی به امری غیرقابل‌تحمل تبدیل شده است و ما هرگز قادر به ارایه خدمات نخواهیم بود. در چنین وضعیتی با وجود اصرار دولت‌های اروپایی بر سیاست‌های به آخر خطررسیده‌شان و همچنین نادیده‌گرفتن حساب ساده ریاضیاتی، هزینه‌های مالیات‌دهندگان آلمانی افزایش خواهد یافت. حتی در بدترین سناریو ممکن پیش از آنکه آلمانی‌ها علیه یونانی‌ها موضع‌گیری کنند این‌یونانی‌ها خواهند بود که علیه آلمان متحد و به‌طور غیرقابل‌تعجبی ایده‌های مطلوب اروپایی با مصیبت بزرگی مواجه خواهند شد.



الف) نتیجه مذاکرات یونان – اتحادیه اروپا در رابطه با بدهی مالی یونان ب) تغییر حقیقی و محسوس در زندگی شهروندان یونانی ج) رشد اقتصادی اروپا
بیبیم اینطور نگاه کنیم که اگر گفت‌وگوها با اتحادیه اروپا و رهبر ظاهری‌اش آلمان به جایی نرسد (خواه پایان و خواه ادامه ریاضت اقتصادی). اروپایی‌ها در اسپانیا، پرتغال، ایرلند و ایتالیا احتمالاً از حمایت از احزاب آبدۀآلیست و ضدسیستم در کشور‌هایشان عقب خواهند نشست. در سوی مخالف، می‌توان تصور کرد که چه اتفاقی خواهد افتاد اگر «سیریزا» به نتیجه‌ای درخشان در مذاکرات برسد یا اینکه حداقل بخشی از بدهی را منتفی کند. این اتفاق نه‌تنها روشن‌کننده راه یونان است که خوشبینی را در تمام کشور‌های زیر بدهی اروپا گسترش خواهد داد. اما در داخل، اگر یونانی‌ها تغییر محسوسی را در زندگی‌شان، به‌خصوص در زمینه سطح رفاه عمومی احساس نکنند، به‌زودی ایمان‌شان را به دولت منتخب جدید از دست خواهند داد. نباید فراموش کنیم تمام ۳۷درصد رای یونانی‌ها متعلق به حزب «سیریزا» نبوده است و برای سال‌ها پیش از این آنها در حدود پنج‌درصد آرا را به خود اختصاص می‌دادند. در آخر هم نیازی به این نیست یادآوری کنیم محبوبیت دول‌های نوین ضدنولیبرال هنگامی افزایش می‌یابد که اقتصاد پیشرفت داشته باشد و این دولت‌ها بتوانند بر مشکل بیکاری فائق آیند. پاسخ نهایی به این سادگی نیست؛ آن‌هم وقتی که مشکلات اینچنین سیال هستند و هرگونه پیشگویی در رابطه با

 	 	 	 	 	
پاسخ نهایی به این سادگی نیست: آن‌هم وقتی که مشکلات اینچنین سیال هستند و هرگونه پیشگویی در رابطه با آینده و جهت‌گیری، سیاست‌های اروپایی را مبهم و ناممکن می‌کند. در هر حال، اینطور به‌نظر می‌رسد گرایش جدیدی در شکل گرفته که کمی هم چپگرایانه است					

آینده و جهت‌گیری سیاست‌های اروپایی را مبهم و ناممکن می‌کند. در هر حال، اینطور به‌نظر می‌رسد گرایش جدیدی شکل گرفته که کمی هم چپگرایانه است. بسیاری از سیاستمداران از «اولاند» تا «رنزی» و از «زابورن» تا «اوپاما» حداقل در اسم «حکمرانی نو» را پذیرفته‌اند، بخشی به این خاطر است که این مساله به خودی خود جهت‌گیری و پرستیژی آرانخواهانه به آنها می‌دهد (تمامی این رهبرها روز‌هایی را به یاد می‌آورند که جوان، چپگرا و علیه سنن و قواعد مرسوم اجتماعی بودند) و بخشی دیگر به این خاطر است که بتوانند از مزایای بازبایی وجهه‌شان در داخل کشور‌های خود نهایت استفاده را ببرند و در پایان اینکه آنها همگی به این درک رسیده‌اند که چه حوادث ممکنی در پشت این اروپاگرایی موجود یا جنبش جهانی ضدجهانی‌سازی نهفته و این خود نشان‌دهنده تغییری هرچند کوچک در مدل سیاست اروپایی است. اما همین تغییر کوچک نیز توسط همان الیت سیاسی پیشین (احزاب سیاسی پیش از خود) مورد فرصت‌طلبی و خطدهی قرار می‌گیرد و در پایان کار آنچه می‌ماند این است امروز این تنها یونان است که دولتی حقیقتاً چپگرا دارد و باقی مردم اروپا همچنان در پیچ‌وخم همان دموکرات‌بازی‌های احزاب سیستماتیک دولتی هستند. همچنین نمی‌توانی موافق این نباشی که این نسل جدید از احزاب سیاسی توسط نیروهای اجتماعی مطرح می‌شوند، آن‌هم به صورتی که کارل مارکس به شکل پروسه دیالکتیکی شرح داده که به ناچار نتیجه‌اش این خواهد

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

کردیم. این مخالفت نه به‌خاطر شما شهروندان آلمانی و نه به‌خاطر این موضوع بود که پول کافی به ما نداده بودند، بلکه به‌این دلیل که شما به ما بیش از آنچه نیاز داشتیم، پول دادید و دولت ما نیز بسیار بیش از آنچه حشش را داشت، پول دریافت کرد. در نتیجه، این پول نه‌تنها به مردم یونان به جلوگیری از عدم‌توان پرداخت بدهی‌های دولت یونان کمک نکرد، بلکه هزینه‌ها را برای یونان و مالیات‌دهندگان آلمانی افزایش داد.

درواقع، بیش از آن دوره و از سال۲۰۱۱، ما وضعیت کنونی را پیش‌بینی می‌کردیم و گذر زمان صحت نظلمان را تایید کرد. ترکیب وام‌های ارایه‌شده کلان و کاهش سختگیرانه هزینه‌های دولتی که باعث کاهش درآمد‌ها شد، نه‌تنها تاکتیکی شکست‌خورده در جلوگیری از افزایش بدهی‌ها بود، بلکه اغلب به اهرمی برای مجازات ضعیف‌ترین شهروندان تبدیل شد به‌گونه‌ای که شهروندانی که تا پیش از این زندگی آبرومندانه‌ای داشتند، به فقر و متکدیان امروزی تبدیل شدند و چیزی از شرافت‌شان باقی نماند.

در چنین وضعیتی، فقدان امید به آینده امری غیرقابل‌پیشگیری بود و پیش از آنکه ما بدانیم



پاولوس کاپرالوس: در هوا انقلاب را تنفس می‌کنیم

«پاولوس کاپرالوس» را با مولانا به یاد می‌آورم که شیفته‌اش بود، او را با اطلاعات بی‌نظیرش از فرهنگ‌های مدیترانه به یاد می‌آورم که تا دوردست‌ترین روستاها را واکاویده بود. به یاد دارم که چگونه از نابودی فرهنگی به نام یونان زیر بار ریاضت می‌گفت و می‌دانم امروز چه شور و امید به فردایی دارد که در تمام سال‌هایی که می‌شناسمش، لحظه‌ای از کنشگری برایش جدا نمانده است. او دانش‌آموخته دانشگاه تسالونیکي در یونان و «روانشناسی بازار» در دانشگاه «وست‌مینستر» لندن است؛ شهری که اکنون هم در آن زندگی می‌کند. از او خواستم تا برلام از یونانی‌بودن در این‌روز‌ها بگوید: تنها چیزی که قطعی است، این است که آنها (سیریزا) می‌خواهند به هرقیمتی موفق شوند و خودشان کاملاً به این قضیه اعتقاد دارند! اگر قابلیت آنها تلفیقی از اراده و آگاهی‌شان باشد، در مرحله نخست به موفقیت چشمگیری خواهند رسید؛ مجموع آنچه می‌توانند ارایه دهند در کل بالاتر از تمام دولت‌های پیشین خواهد بود. برای مثال دولت ساماراس دولتی امتحان پس‌داده به حساب می‌آمد اما در چه محیطی؟ سیستم سیاسی بحران‌زده، مالا مال از فساد و زدوبند که ساماراس و ائتلاف پشت‌سرش پندباز‌های خوبی در آن بودند. از سویی «سیریزا» برنامه‌ریزی کرده که تیمی از دانشمندان سیاسی و اقتصادی عملکرداً تشکیل دهد و به غرب این پیام را مخابره کند که اهداف اصلاحاتی آنها بیش از آنکه تجربی باشد، واقع‌بینانه و کمیت‌گرا خواهد بود.

اصلاحات داخلی بخش ساده‌تر کار است، اما نباید از یاد برد که مذاکرات اروپایی برای بازپرداخت بدهی‌های مالی یونان در واقعیت غیرقابل پیش‌بینی‌تر و پیچیده‌تر از آن چیزی است که در زبان گفته می‌شود. این پیش‌بینی‌ناپذیری ناشی از امکان ریسکی است که در تمامی مراحل مذاکرات، خود را نشان می‌دهد و سنجشی برای موفقیت دولت جدید یونان خواهد بود. جدای از تمام اینها، از نظر تاریخی هم هیچ انقلابی بدون ریسک به وقوع نپیوسته است. از لحاظ روانی هم این‌روز‌ها یونانی‌ها در هوا انقلاب از تنفس می‌کنند و بیش از هزرمانی آدم‌گرای پذیرش ریسک‌هایی را دارند که این نسیم تغییرات با خود به میان‌شان خواهد آورد. رهبر سیریزا «الکسیس سیرپاس» در اوایل حرکت عمومی‌اش پس از انتخاب به عنوان نخست‌وزیر به شکلی کاملاً سیمبلیک به ۲۰۰پارتیزانی که توسط بازی‌ها اعدام شده بودند، ادا‌ی احترام کرد. ولی حقیقت این است که پشت این سیمبلیسم سیرپاس پیامی روشن برای آلمان امروز نهفته است. این لید آواری، پیامی محرمانه از سوی نخست‌وزیر جدید یونان است، مسلماً این است که او نمی‌توانست ماموریتش را بدون ادا‌ی احترام و انجام مناسکی ماتریالیستی در مدح و ستایش نیاکان قهرمانش (پارتیزان‌ها) آغاز کند. به‌نظر می‌رسد شعار‌های پیش از انتخابات چندان برای جذب رای‌دهندگان چپگرا کافی نبوده است. «خلاف «بودموس» (حزب چپگرای رادیکال اسپانیایی، به معنی: «ما می‌توانیم»، «سیریزا» حزبی نسبتاً قدیمی به حساب می‌آید، ولی مانند بقیه احزاب اروپایی هم خانواده‌اش (از لحاظ ایدئولوژی) تنها پس از بحران اقتصادی اخیر بود که رشدی چشمگیر پیدا کرد. حال سوالاتی که پیش می‌آید، این است که آیا قرار است همه چیز ساده و راحت باشد؟ خب، پاسخ این است که قضایا بیشتر شبیه یک رابطه عاشقانه اما دیوانه‌وار است و نتیجه نهایی را باید به این حساب گذاشت که عشاق (دولت و مردم یونان) چقدر جسور باشند و بتوانند دست به معجزه بزنند!

آنچه امروز پیش‌روی ما قرار گرفته، این نکته است که آیا ما با شیوه‌ای نوین از حکمرانی و سیاست در اروپا روبه‌رو هستیم؟ یا‌تنن پاسخ وایسته به چندپا‌ر‌ما‌تر است:

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

عکاس: تام

اکثر شما خوانندگان عزیز آلمانی، پیش از آنکه این مقاله را بخوانید، دارای یک‌پیش‌ذهنیت هستید. من از شما خواش می‌کنم تسلیم چنین پیش‌ذهنیت‌هایی نشوید. تعصب هرگز راه‌های خوبی نیست؛ به‌خصوص در دوره‌هایی که بی بحران اقتصادی در حال تقویت کلیشه‌ها و دامن‌زدن به تعصبات ملی‌گرایانه و حتی خشونت روزانه باشد. در سال۲۰۱۰، دولت یونان به‌دلیل بدهی‌های بیش از اندازه از ارایه خدمات بازماند. متأسفانه، مقام‌های اتحادیه اروپا مدعی شدند این مشکل می‌تواند با ابزارهایی از جمله ارایه بزرگ‌ترین وام در طول تاریخ به یونان در مقابل پذیرش طرح ریاضتی رفع شود. به عبارت دیگر، اروپا تاکتیک‌هایی را در پیش گرفت که طبق آن «وام‌ها را به بانکداران مشهور ارایه کرد؛ کسانی که از درک وام‌های بد خودداری می‌کردند و ترجیح می‌دادند مشکل اساسی حل نشود، اما به گرفتن وام خارجی ادامه دهند در صورتی که ادامه چنین وضعیتی به ورشکستگی یونان در آینده منجر می‌شد. اکنون می‌توان دید تاکتیک «تمدید ارایه وام و طرح بهانه‌ها و ادعاها» بحث شد تا کشور من به سمت وضعیتی تراژدیک حرکت کند. خلاف آلمان که از ثبات برخوردار است، اروپا خود سبب تقویت بحران و حرکت به سمت تخریب بنیادهای اروپایی به دست خود پیش رفت. من و حزب مخالف شدید خود را با موافقتنامه امضا‌شده بر سر دریافت وام توسط یونان در می‌سال۲۰۱۰ اعلام

عکاس: تام